

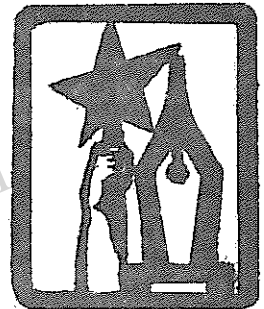
سال سوم، شماره ۹۸
دو شنبه ۲ شهریور
۱۳۶۰

رهائی

ویژه مبارزات توده‌ای

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

نگاهی به 'میثاق' بنی صدر 'برای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی' و گذشته بی افتخار او



واقعی)) یاری رسانند و به قیمت جان‌فروشی در پیروز گردانیدن انقلاب ((اسلامی)) بکوشند تا و نیز سرفروخته‌ها را از استقرار جمهوری اسلامی "واقعی" و با توسل به "اسلام راستین" از طریق ایجاد "منبت" و برقراری "حاکمیت قانون" به نوع دیگری به سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی بپردازد و آنچه را که رژیم اسلامی ویرانگر خمینی فرصت نکرده به نابودی بکشانند و راه لاقطه در نوزده ماه اول استقرار حاکمیت ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

بنی صدر، پس از اینکه در جدال خود با جناح دیگر حاکمیت بر سر تقسیم "عادلانه" قدرت با شکست مواجه شد، پس از اینکه بدستور خمینی از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری معزول شد و "آرمان سی ساله" (۱) خود را بر باد رفته دید، در ۲۷ تیرماه ۶۰ از مخفیگاه خود در تهران به "میثاق" تشکیل شورای ملی مقاومت برای استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی ایران" راه‌پیمایی کرد.

همانطوریکه در سال ۵۲، خمینی با نشان دادن دریاغیهای صهیونیسم، با دروغ باقی‌مانده و عوام ("عوامی") فریبی‌ها را از تمام نیروهای سیاسی و از اقشار و طبقات جامعه میخواست که "همه باهم" با "وحدت کلمه"، برای سرنگونی رژیم جنایتکار پهلوی قیام کنند (این شیوه بزرگ، نه تنها از هرگونه حمله به کمونیست‌ها و نیروهای شرقی دیگر خودداری میکرد بلکه آزادی همهگونه فعالیت‌های سیاسی را به آنها داده میداد) تا سرفروخته رژیم جنایتکار ولایت فقیه را بر سر کار بیاورد؛ امروز نیز رئیس جمهور معزول جمهوری اسلامی از "همه" گروهها و احزاب سیاسی و دستجات و انفرادی میخواهد که "برغم همه خطرها" (۲) در این کوشش بزرگ ((استقرار رژیم جمهوری اسلامی

در صفحات دیگر:

- ❁ رودن ناوجهی تبریزین: آخرین دسته-گل "ارتش مکتبی"
- ❁ فرار یک رفیق کمونیست از زندان کیمه مرکزی مشهد
- ❁ اخبار

تکثیر از طرفداران سازمان وحدت کمونیستی در خارج از کشور

نگاهی به * * *

(تا قبل از اینکه پایه های تخت فرماندهی و ریاست بلرزه درآید) ، در رگیه جنایات رژیم سهیم و شریک بود و حتی در موارد بسیار بطوری که خواهیم دید ، از طراحان و مجریان این جنایات بشمار میرفت . بنی صدر نیز در یک به یکسال پیش (۱۷ شهریور ۵۹) ، صد البته نهضت طر توده ها بلکه بدلیل جاه طلبی و حفظ قدرت ، بفکر دفاع از آزادیها و افشا شکست زنده انهای غیرقانونی و مقاومت در مقابل حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و از دو ماه پیش ، بنابه نصایح زتش ، بفکر مبارزه با بزرگ مرتجع آیت الله خمینی ، افتاد . بنی صدر نیز در ماه اول استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی ، هیچگاه به ماهیت سر کوبهای جنایتکارانه رژیم اعتراض نکرد فقط گاهی ، اینجا و آنجا ، عدم موافقت خود را بسا شیوهی این سرکوبها اعلام میداشت . مگر فراموش کرد ما ایم که او در مورد کتار وحشیانهی چهارتن از رهبران خلق ترکمن توسط سپاه پاسداران ، پس از ایزاد اتهامات و فحاشانه به آنها و به زحمتکنان ترکمن چه گفت :

" منم اگر قاضی بودم این چهار نفر را به اعدام محکوم میکردم " .

بنی صدر در میثاق (مانند جریان انتخاب ریاست جمهوری) ، همه چیز را به همه کس وعده میدهند و ملی از آنجائی که دروغگو کم حافظه است و یا آنچنان وقیح است که نمیتواند و نمیخواهد به خاطر بیایورد که قبل از این دو تاریخ ، چه گفته و چه نیندته است و عملکردهای ضد انقلابی (و نه انقلاب اسلامی) او در این دوره (دوره خیانت برداشتن بخرف قدرت و دوره اوج افتدار) ، تطبا با مخایر با این ادعاهاست . بنی صدر بخاطر خصلت پرگویی و پرت ویلا نویسی و عملکرد ضد انقلابی اش ، آنچنان مع خود را باز کرده است که امروز مشکل بتیاند فرصت طلبانه با ادعاهای دروغین ، مسیر مبارزات توده ها علیه رژیم حلال جمهوری اسلامی خمینی را بسوی ناکجا آباد جمهوری اسلامی دیگری ، منحرف کند .

بنی صدر ، یادوی سابق ولایت فقیه و یکی از اصلاح " مثلث بین " که در پایه گذاری رژیم منفور خمینی نقش اساسی داشت امروز که بسا اشارهی فقیه ، از صحنه خارج شده است ، در " میثاق " خود ، از " استبداد فقیه " ، استبداد رای آقای خمینی ، و ولایت استبدادی " نام میبرد . ما در مقاله حاضر ناگهان به " میثاق " بنی صدر " برای استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی " به اختصار به گذشتهی بی افتخار او نیز نظری خواهیم انداخت .

استقلال

" قطع وابستگی " و " استقلال " از جمله مفاهیمی است که در هر صفحهی " میثاق " و ظالبا چند بار تکرار میشود . اما واژهی " امپریالیسم

چه در میثاق و چه در نوشتهها و سخنرانیهای دو سال و نیم اخیر او ، واژه ای ناشناخته بسا فراموش شده است و بجای آن از " نه شرقی نه غربی " و یا " دوا بر قدرت روسیه و آمریکا " استفاده میکند .

بنابه اینکه بنی صدر در چه دوره ای از مسام تریبی و فرصت طلبی قرار داشته باشد ، امپریالیسم مفهوم متفاوتی بخود میگرد .

قبل از قیام ، در کتاب " اقتصاد تهرینی " از " مبارزه طبه ابر قدرت تها " و در دوره ای اول اسر قدرت شوروی سوسیال امپریالیست " سخن میگفت .

بعد از قیام ، در جوش پیدا ضد امپریالیسمی حاکم بر جامعه ، " دوا بر قدرت آمریکا و روسیه " را در کنار هم قرار میداد . ویژه بهنگام ماجرای گروگانگیری ، " از گورها " (امپریالیست ها) ی اروپایی و ژاپنی میخواست که حساب خود را از " دولت " (امپریالیست) آمریکا جدا کنند و ایران را برای رسیدن به استقلال و قطع وابستگی ، کمک کنند . او در ماهی ای بسا خبرنگار روزنامه ای ایتالیایی " استاها " ، زنگیر های اروپایی مشخصا از انگلستان ، فرانسه ، آلمان و ایتالیا ، درخواست کرد که او را " پاسوری دهند " (ندای آزادی ، ۵۹/۲/۲۷)

و امروز ، در " میثاق " بی آنکه به " شوروی سوسیال امپریالیست " یا " ابر قدرت روسی " و به " کشورهای اروپایی " کاری داشته باشد ، در هر صفحه چند بار به " دولت آمریکا " حمله میکند . تا جایی که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی را بکرات بطور مستقیم و غیر مستقیم ، در ضدیت سیاست آمریکا میدانند که چند هارت از آنها را نقل میکنیم :

" . . . از نو بیاد بیایوریم و بهنجوم چه کسی و چه گواشهایی ((" مواضع دست باپسی آمریکا به هدفهای)) را زیر پا گذاشتند و عملا به خدمت سیاست آمریکا درآمدند . دو سال و نیم پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی ، بنی صدر ناگهان در مخفیگاه خود در تهران بیاد میآورد که رژیم خمینی با توافق امپریالیسم آمریکا بسر کار آمد :

" لازم بیادآوری است که مشاوران آقای خمینی ، از داخل به ایشان خاطر نشان میساختند که رژیم شاه رفتنی است بشرط اینکه ایشان به آمریکا حمله نکنند " .

و در جای دیگری ناگهان تنبیه میشود : " خطم تقاضم طلبی با آمریکا (با تحکوم وابستگی بسا تظاهر به مخالفت) در جمهوری انقلاب حاکم شده است .

هرچند بنی صدر به واژهی " امپریالیسم " التفاتی ندارد ولی به واژهی " استقلال " شدیدا متفق میوزند ! او چه در اوج قدرت و چه در زمان برکتاری از قدرته این را با " هرگز فراموش نکرد . اگر بنی صدر در " میثاق " از " قطع وابستگی " و " استقلال " به کس باقی و درهم گویی اکتفا میکند ولی در اوج قدرته تصور روشنی از " استقلال " و " قطع وابستگی " بدست میداد : یاری خواستن از امپریالیستهای " خوب " اروپایی و

ژاپنی .

آقای بنی‌صدر در روز قبل از مراسم تحلیف ریاست جمهوری و پسیدن دست‌آسمان امت در محاصره ای با نارنجی و خبرنگار روزنامه‌های اطلاعات در مقابل این سؤال که جمهوری اسلامی چه وقت به "قطع وابستگی" و "استقلال" خواهد رسید، جواب داد:

"... لیکن این امر زطن لازم دارد و بسا اجرا برنامه‌های کار بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران، انشاءالله به کلیه‌ی وابستگیها پایان داده خواهد شد." (اطلاعات ۱۶ بهمن ۵۸)

بدیگر سخن و زحمتگان ایران مدت بیست‌سال دیگر مورد استعمار امپریالیتهای "خسروب" اروپایی و ژاپنی قرار خواهند گرفت و بیست‌سال اجرا برنامه‌های کار بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران هم تازه، "انشاءالله" یعنی اگر پس از بیست‌سال، نظرخداوند بر قطع وابستگی جمهوری اسلامی ایران تعلق نگرفت، اجرا برنامه‌های کار بیست‌ساله می‌تواند تجدید شود.

آزادی

بنی‌صدر در طی دوره‌ی جدال ده ماهه‌ی خود با حزب مرتجع و ضدانقلابی جمهوری اسلامی و با استغاده از جو شیدا ضدآخوندی جامعه و نقاب آزادیخواهی به چهره زد. ما در صفحات "رهایی" بارها طمیت ریاکارانه و دروغ باقانسسه‌ی "آزادیخواهی" بنی‌صدر بنی‌صدرها را به نطایش گذاشته ایم و در یکی از مقالات رهایی نوشتیم که آزادی خوست ولی بنی‌صدر رهسا در روگونند، آزاد بخواه نیستند. برای بسازرگان ها قطب زاده ها و بنی‌صدرها، برای ایمن نوکران سابق ولایت فقیه، این تیاخوردگان از امام امت، ایس و اماندگان سیاسی، ایمن نطابندگان مفلوک و حقیر و زبون بورژوازی ناقص، الخلقه و بی هویت جوامعی مثل ایران و ایمن رونیشتهای نابرابر با اصل، دفاع از آزادی نه تنها یک وسیله، بلکه بیشتر یک بهانه است، بهانه ای برای نتیجه بی‌ریختگی و بی‌مرضگی‌شان.

هیچ انسانی به اندازه‌ی یک کمونیست، صادقانه طاشق آزادی نیست چرا که آزادی را نه برای خود و نه حتی فقط برای مردم کشور خود بلکه برای تمامی بشریت در بند، میطلبند. و آن چه به هستی‌اش معنا میبخشد، مبارزه بخاطر آزادی و بالندگی و شکوفایی انسانها و رهایی آنها از هرگونه استعمار و ستم جوامع طبقاتی است. در کمتر شماره ای از "رهایی" است که ما در دفاع از آزادی بهای دموکراتیک و برداشت کمونیستها از آزادی نه‌بختوان یک وسیله بلکه به عنوان یک هدف، سخن نگفته باشیم. در کمتر شماره ای از "رهایی" است که ما با کج اندیشی ها و درهم گویی های آن دسته از کمونیستها که دفاع از آزادی بهای دموکراتیک برایشان اخ بود

(و هست) چرا که مارکسیسم - لنینیسم را بسه جای مارکسی و انگلیس و لنین، از استالین و مائو آموخته اند. برخورد نکرده و برخورد جدایی ناپذیر مبارزه بخاطر دموکراسی / مبارزه ضد امپریالیستی / مبارزه طبقاتی و ضد سرطانی داری) را نشان نداده باشیم.

بنی‌صدر که مدت ۱۹ ماه (از بهمن ۵۷ تا شهریور ۵۹) یعنی بیست‌سال اعلام ظنی و جدال و جناح سابق حاکمیت یا در مقابل شکنجه ها و جنایات ترورها، اعدامها و دستگیریها و سرکوب کارگران و روشنفکران و زنان و جوانان انقلابی صلح و آرمندان و نیروهای انقلابی و دموکرات و خلقهای تحت ستم بیست‌ساله‌ی شکست قلمها و دهمها و صدها جنایات مشابه، صلحت اندیشانه خفتن گرفته بود و با کاسه صلح و شریک جناح دیگ حاکمیت در رایسن جنایات بود و یا حتی در رهبری نیز بیست‌سال خوشخدمتی و از باب هم گاتیک تر یعنی از همین هم مرتجعتر میشد و ناگهان در روز ۱۷ شهریور ۵۹ و نقاب "آزادیخواهی" به چهره زد و کم کسم توده هائی را که از اقداماتش در دموکراتیک رژیم بجان آمده و توهم خود را نسبت به رسکنت بخش از رژیم از دست داده بود به طرف خسود جلب کرد. در باره ای از سخنراستیها و در تهریر ان و پیش از یک میلیون نفر جمع میشدند.

هرچه جناح دیگ حاکمیت عملات خود را شد بدتر و قدرت رئیس جمهوری را محدودتر میکرد. بنی‌صدر بیشتر در رنای سرکوب آزادیها و نوجه سر میداد و هر وقت این جدا لیا موقتاً تخفیف مییافته استعداد بنی‌صدر در سرودن قولهای ماضقانه در ستایش آزادی میخکند. بالاخره وقتی زفوط نند، هی کل قوا و ریاست جمهوری منزل شد و اینبار همه سرودن شعار حماسی در جناح "ایستادان" و "استقامت کردن" برداخته. "مناطق آزادی" آقای بنی‌صدر، تهریری یکی از این حالات شاعرانه جدید است. در توضیح صفت ای از مناطق نیست که واژه‌ی "آزادی" چند بار تکرار شده باشد. اگر از مبارات کلی نظیر نبود، اعدام بخاطر سر جرایم عقیدتی، نبود، زندانی سیاسی، و غیره. در جمهوری اسلامی، واقعی (که همین تیزه رسال ۵۷ همه آنها را بد قیامت دیده داده بود) که بگذریم، فقط در یکجا است که مفهوم "آزادی" و بر داشت این "نبرهان آزادیخواه" از آزادی، موضوع متعلق میشود.

بنی‌صدر در رنجایی از "مناطق" و "آفسمای خمینی" را مورد سرزنش قرار میدهد که رنده های خود را در مورد آزادی بهانه که ایشان (پهنسی آقای بنی‌صدر) در وقته وین آنها شرکت فمسال داشته - بکوره پایمال کرده است. و ایمن آزاد بهیا که "همه و همه امروز پایمال شده اند". به اسم اسلام پایمال شده اند. رئیس جمهوری منتخب و مورد اعتماد خود نه بخاطر بروز سیاه نشستن مردم و برانی گسور، بلکه بخاطر "نبرد هائی" که به اسلام وارد شده شد پیدا متاثر است.

" و سلب شد نشان ((آزاد بها)) از سر به -
 های است که به اسلام وارد شده اند .
 اما بهینیم آن آزاد بها کدامند :
 بالا و پائین "آزاد بها" ادعایی بنی صدر
 و سرزنش به خمینی در "سلب شان" همین چهار
 مورد است . سه نقطه .

"آزادی پوشش برای زن و مرد" ، "آنهم امروز
 ریاکارانه از طوف کسی مطرح میشود که تا
 همین چند وقت پیش معتقد بود که : "از نظر
 علمی ثابت شده که موی زن ایجاد شده میکند
 و باعث تحریک مرد ها میشود ."

"آزادی تحصیل" ، "آزادی تحصیل" چی ؟
 تحصیل علم یا تحصیل مال ؟

"آزادی فرهنگی اقوام" . گویا که مبارزه
 خلتها (یا بقول بنی صدر : "اقوام") ، پیوسته
 خلق قبرمان کرده فقط بخاطر کسب آزادی
 های فرهنگی است .

"آزادی انجام فرایض مذهبی برای مذاهب
 مختلف" . هرگونه سرکوب آزادیها که وجود
 داشته باشد ، لااقل تا این لحظه ، آزادی
 انجام فرایض مذهبی نه تنها برای مذاهب
 اسلامی (به استثناء بهائیت) بلکه برای
 ادیان دیگر از جمله مسیحی و زرتشتی و یهود
 دی ، سلب نشده است .

همین چهار مورد بالا + چند نقطه ، و السلام
 بحث "آزاد بها" آقای بنی صدر تمام است .

جمهوری اسلامی

عده ترین ایراد بنی صدر به "آقای خمینی"
 که در "ميثاق" بد قعات و در اشکال مختلف
 تکرار میشود اینست که خمینی آن وعده های بی را
 که عهد تا برای ایجاد یک جمهوری اسلامی واقعی
 داده بود ، زیر پا گذاشت . برای آقای بنی صدر
 اینهمه ویرانی ، خرابی ، کشتار ، آوارگی ، فاسد
 بد بختی و بیگاری ، انواع و اقسام ظلم و بیستاد
 گری و بهره کسی . . . (که خود او را ایجاد آنها
 غالباً سهیم بود) ، چندان مهم جلوه نمیکند ،
 مسأله ای واقعاً مهم اینست که :

" رفتار امروز آقای خمینی . . . موجب بی
 اعتباری اسلام و سخت ترین ضربه ها به
 آئنت ."

یا :
 " اگر به حال و روزی که اسلام در نظر من
 جوان کشور و مردم دنیا پیدا کرده است
 توجه کنیم به خطر استبداد شخصی . . .
 بی میریم ."

و :
 " جای بسیار تأسف است که وی ((خمینی))
 این سخن ((نصایح بنی صدر)) را شنید
 و با اسلام و کشور و شخصیت خویش کرد
 آنچه کرد و میکند ."

چه باید کرد ؟ آقای بنی صدر در ميثاق خود
 میگوید :

" در مقام انسان مسئول و منتخب و طرف
 اعتماد شما مردم ، بر آن شدم که راه
 استقامت را در پیش بگیرم و برای نجات
 انقلاب ((اسلامی)) و تدایم آن ، اصولی
 را که پیش از انقلاب پذیرفته شده بودند و
 طی دو سال و نیم ازین برده شده و همه
 در این ميثاق تنظیم کنم و از همه و همه
 بخواهم بدان بپیوندند ، انرا اضماً
کنند و با تمام جان و دل در تحقیق آن
بکوشند ."

درست همان فرمول خمینی در سال ۵۷ است که
 میخواست " همه با هم" ، " وحدت کلمه" را حفظ
 کنند و رژیم آریا مبری را سرنگون سازند بی آنکه
 بدانند چه چیزی جایگزین آن خواهد شد . اشتباه
 بنی صدر را اینست که سال ۶۰ ، ۶۱ سال ۵۷ نیست و
 توده ها ، در سال و نیم تجربه بسیار تلخ و در
 همین حال بسیار گرانها از یک رژیم مذهبی را
 پشت سر گذاشته اند . بیکار فریب یک آیت الله
 العظمی را خورده اند و مشکل بتوان تصور کرد
 که دیگر بار ، بدام پادوی سابق او برفتند و بهر
 تقدیر این وظیفه ای مهم نیروهای انقلابی پیوسته
 کمونیستهاست که متحداً از تکرار یک فاجعه
 یعنی برقراری جمهوری اسلامی به نوبه دیگر ،
 جلوگیری کنند . مبارزه علیه رژیم جمهوری
 اسلامی و سرنگونی آن آری ، استقرار جمهوری
 جمهوری هرگز .

بنی صدر در جای دیگر از " ميثاق استقلال ،
 آزادی ، جمهوری اسلامی" مینویسد :

" ملت ایران با ملاحظه ای این اصول
 ((ميثاق)) . . . باید بیکار چه برای عطی
 ساختن این اصول قیام کنند ."

بنی صدر برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
 خمینی و استقرار جمهوری اسلامی نوین ، معتقد
 است که باید یک " جبهه سیاسی" تشکیل شود که
 شرکت معتقدین به "استقلال ، آزادی ، جمهوری
 اسلامی" در آن یک تکلیف است :

" . . . هر همة گروهها و گرایشها و احزاب
 معتقد به استقلال ، آزادی ، جمهوری
 اسلامی ، کوشش برای ایجاد این جبهه ،
 فریض است ."

مخاطب ميثاق همه جا ، " زنان ، مردان ، گروهها و
 احزاب سیاسی طرفدار استقلال ، آزادی ، جمهوری
 ری اسلامی" است . این ميثاق در واقع توسط بنی
 صدر و خطاب به سازمان مجاهدین و گروههای
 مذهبی نظیر نهضت آزادی ، جفا ، طرفداران دکتر
 شریعتی ، آرمان مستضعفین ، افراد و شخصیتهای
 مذهبی ، نیمه مذهبی و یا هنوز متوهم به "اسلام
 راستین" نوشته شده است ، برای کسانی که "اصلاح طلبین"

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان : انقلابی دگر باید

خمینی را قبول ندارند و درصد استقرار حاکمیت یک جمهوری اسلامی نوین و ایجاد توهم جدید میباشند .

مخاطب این " میثاق " بهیچوجه کمونیستها نیستند ، نه فقط از این جهت که بنی صدر آنها را در " میثاق " بدفعات کنار میزند :

" باورم اینست تنها مردمان و گروهها و افرادی میتوانند بمنوان پیشگام انقلاب ((اسلامی)) متحد عمل کنند که این میثاق را بپذیرند و صمیمانه برای تحقق آن تلاش کنند " (۳۰)

و نه فقط از این جهت که کمونیستها هیچ قشری از بورژوازی (از جمله خرده بورژوازی دموکرات) را طرفدار پیگیر " استقلال و آزادی " نمیدانند بلکه به این دلیل بسیار مهم (بیگانه پس از تجربیات تلخ و گرانمایه ای دو سال و نیم اخیر) که کمونیستها برای استقرار یک رژیم مذهبی ، یک جمهوری اسلامی (چه از نوع قدیم و چه از نوع جدید) مبارزه نمیکند و نمیخواهند که زحمتگاران جامعه ، از جالهی جمهوری اسلامی خمینی به جای جمهوری اسلامی بنی صدر و متحدین متوهم آن بیفتند . زیرا اگر " جامعه ای صد درصد اسلامی " خمینی یکسال هم طول نکشد که ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی و ضد مردمی خود را به نمایش بگذارد ، جمهوری اسلامی در " جامعه ای توحیدی " یا در " جامعه ای بی طبقه توحیدی (و یا احتیاطاً توفیقی از این دو) ، سالها میتواند زحمتگاران جامعه را بد نبال سرباز بکشد و بالاخره تشنه و ناامید برگرداند .

پیش بینی های علمی

" راه علمی " ، " روش علمی " ، " تحلیل علمی " ، " پیش بینی علمی " ... از عبارات بسیار مسرود علاقه ای بنی صدر است که در سخنرانیهها و نوشته ها و در " میثاق " فراوان بچشم میخورد . الحق آقای بنی صدر مانند آقای دورینگ بسیار به " علم " علاقه دارد . و مانند او میکوشد که علم را درگون کند . البته تشابه آقای بنی صدر به آقای دورینگ ، یک تشابه صوری است . استاد بنی صدر " را از نظر " علمی بیشتر میتوان به علمای حوزهی علمیه قم تشبیه کرد .

آقای بنی صدر در " میثاق " مدعی است تمام آنچه در ایران گذشته و یا میگذرد ، نه فقط " چندسال پیش از انقلاب " بلکه بویژه در دو سال و نیم اخیر ، از طریق " روش علمی " پیش بینی کرده و آنرا بارها به " مسئولان " خصوصاً به آقای خمینی " متذکر شده است . رد یا قبول این ادعاها - که در واقعهای در دسته عنوان شده اند - با " آقای خمینی " و " مسئولان " است (که عده ای از آنها نظیر " بهشتی مظلوم " ، با نشسته شدن شریعت شهادت ، دارقانی را وداع گفته اند) ، از

این " پیش بینیهای علمی " صرفاً نه که بگذریم و خروارها " پیش بینی علمی " دیگر وجود دارد که در مجامع عمومی عنوان شده و در رهنا نوقست در روزنامه ها انتشار یافته اند . برای اینکسند در زمینهی ضمانت اجرا ، عده های توحالی و " پیش بینی های علمی " مندرج در " میثاق " بنی صدر محکی بدست دهیم ، باره ای از آنها را در زیر نقل میکنیم . توضیحا اضافه کنیم که بنی صدر " پیش بینی های علمی " زیرا نه در زمان مفضوب شدن و شیبا خوردن ، بلکه در ایام دروزگسی و پادویی ولایت فقیه عنوان کرد ، در زمانی که در اوج قدرت و مورد اعتماد کامل " اطام است " بود . هفته ها و ماههای اول ریاست جمهوری او را میگوئیم :

- " سالهای بیکاران طبق برنامه باید تا سه ماه دیگر انشالله بگلی حل شود . " (بامداد ۲/۱۳/۵۸)
- " صاله نان و گوشت تا قبل از صید حل میشود . (سخنرانی بنی صدر در مجمع بازاریان در پیرو خط اطام ، بامداد ۵۸/۱۲/۱۶)
- " امید وارم اصالح ((سال ۵۹)) آخرین سالسی باشد که شیبا مردم در این زافه ها در دستهای محرومیت زندگی میکنند " (سخنرانی بنی صدر در اول فروردین ۵۹ در مجلس آباد تهران پارس ، اطلاعات ۵۹/۱/۶)

و در همانجا ، برای بقیه مردم ، " زمینهای آباد ، خانهای خوب و زندگی مرفه " را برای همان سال وعده داد .

- " سال آینده ((سال ۵۹)) از نظر تولید و محصول سال خوبی خواهد بود . " (اطلاعات - ۵۸/۱۲/۱۶)
 - " اصالح ((سال ۵۹)) کشور طاز خرید کند م بسی نیا راست " (سخنرانی بنی صدر در نوشهره انقلاب اسلامی ۵۹/۲/۲۹)
 - " روستایان ما که میخواهند از زمین استقا ده کنند ، امید وار باشند که در سال جدید ((سال ۵۹)) ساله ای بنام زمین نخواهیم داشت . " (سخنرانی بنی صدر اولین نماز جمعه سال جدید در دانشگاه تهران اطلاعات - ۵۹/۱/۶)
- ناگفته پیداست که هیچ یک از این " پیش بینیهای علمی صحیح از آب در نیامد !

زحمتگشن شهری و روستایی

بنی صدر همانطوریکه در " میثاق " فطاهیم عام و مبتدلی از " استقلال " و " آزادی " بدست میدهد در زمینهی مسائل اقتصادی جامعه نیز به کلی باقی و در هم گویی نظیر اراشهای را ت بی محتوی و پو بولیشنی زیر اکتظ میکند :

" برای بازگرداندن انقلاب به مجرای اصلی خویش ، اصل قرارداد ن نظام اقتصاد اسلامی برای زمین بردن هرگونه حاکمیت اقتصاد ای گروهی بر گروه دیگر و بدید آوردن امکان برابر بیهای رشد افراد جامعه ضرورت تمام دارد . "

بنی صدر در " میثاق " بلند بالای خویش ، در سامری وضع زندگی زحمتگشان شهری و روستایی در جمهوری اسلامی نوع جدید و حرفی برای گفتن ندارد . اما

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

شوراها

بنی‌صدر در اوج قدرت خود، بهترین حملات را به شوراهای کارگری، دهقانی، پادگانسی، دانشجویی، دانش‌آموزی، کارمندی و غیره می‌کرد و در سرکشی آنها نقشی کمتر از حزب منفی‌سور جمهوری اسلامی نداشت. و این عبارت فصیح و مصروف‌ا و درازدهان توده‌ها نقش بسته است که: "شورا پورا مالیده!" یا اینهمه در "میثاق" خود موافق‌بانه و بشیوه‌ای موزیانه چنین القا شبهه می‌کند که گویا او میخواست نظام مشورایی برقرار شود ولی دیگران نخواستند:

"در اوایل انقلاب کوششهایی بعمل آمد تا شورا در قلمروهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بصورت ریش‌اداره و رهبری اعلان گردد اما در برابر تطایل به استعداد فردی و گروهی دوام نیاورد و متروک شد." البته بنی‌صدر در "میثاق" خطه‌ی مجدد به شوراهای واقعی کارگری، دهقانی، پادگانسی و غیره را فراموش نفرماید و آنها را "وسیله‌ی اعلان سیاستهای گروههای سیاسی... و بسا استبداد اعضا شورا" قلمداد میکند. و بالاخره در همان "میثاق آزادی" باضک و دودلی نتیجه می‌گیرد:

"اگر بخواسیم در اداره و هر نسوع اداره‌ای اصل را بر شورا بگذاریم، چاره‌ای نداریم مگر آن اصول ((؟)) را با دقت و قاطعیت اجرا کنیم."

به دیگر سخن، اگر ساله‌ی "اگر" حل شود، در ادارات، کارخانه‌ها، روستاها، سربازخانه‌ها و دانشگاهها و غیره میتوان شوراهای اسلامی جدیدی به مصداق آیه‌ی شریفه‌ی "و شاورهم فی الامر" (یعنی در بهترین حالت یک ارگان مسوود مشورت، نه تصمیم‌گیرنده) بوجود آید که این بار بجای وابستگی به حزب جمهوری اسلامی، به جناب بنی‌صدر و بوروکراسی اسلامی ایشان وابسته باشد. ولی اگر این شوراها پا را از گلبم اسلامی خود به بیرون بگذارند و بخواهند به شوراهای واقعی نزدیک شوند، دوباره برمیگردیم بهمان اصل مصروف: "شورا پورا مالیده!"

توضیحات

(۱) بنی‌صدر روز اعلام نتیجه قطعی انتخابات ریاست جمهوری در طی صحابه‌ای اعلام داشت:

"... از همانوقت هم ((از زمان حکومت دکر صدق)) بعضی بشوخی و بعضی هانیمه جدی در مقابل تطایل من به رهت ست جمهوری صحبت میکردند، بنا بر این، آنچه برای من پیش آمد راست تحقق یک آرمان سی ساله

بیمه در صفحه ۸

برعکس، در زمانی که بحیال خود بطرف قبضه کردن تمام اهرمها و قدرت پیش میرفت، در این زمینه چه زیاد و چه صریح سخن گفته است. بعنوان نمونه در عبارت از "متفکر اقتصاد توحیدی" را در زیر نقل میکنیم:

"زمین در ایران زیاد است. به هم زمین میسود. آنهایی که زمینهای بزرگ دارند هیچ نگران نباشند."
(کبهان - ۵۸/۱۲/۱۲)

او با "نگران" نکردن زمینداران بزرگ میخواست کشاورزی ورشکستهای ایران را نجات دهد، وابستگی به مواد غذایی از خارج را قطع کند و به "استقلال" و "خودکفایی" و نتیجتاً به "جامعه‌ی توحیدی" برسد.

در سخنرانی خود در جنوب شهر، آب پاکسی را روی دست زحمتکشان شهری میریزد:

"زیادی بخودتان وعده ندهید، ما خدا نیستیم که معجزه کنیم."
(بامداد - ۵۹/۳/۱۷)

و مانند تمام استثمارگران و حامیان سرما به همه آنها توصیه میکند: "من" دو چیز از شما میخواهم: کار کنید و کمتر مصرف نمائید" (همانجا).

زنان

بنی‌صدر چه در دوره‌ی خیز برداشتن بطرف قدرت و چه در زمان اقتدار خود، در مقابل سرکوبهای مداوم و ششانی رژیم جمهوری اسلامی در زمینه‌ی حقوق و آزادیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان، با حفاقت میگرفت و با آنها را بطور ضمنی و حتی صریح مورد تأکید قرار میداد ولی هیچگاه به آن جنایات اعتراض نکرد. امروزه در "میثاق" بحیال جبران مافات، علاوه بر تاکید به "آزادی پوشش زن و مرد"، اضافه میکند:

"جامعه‌ی اسلامی و رشید پدیدار نمیکرد مگر اینکه زنان شخصیت کامل خویش را از هر لحاظ بدست بیاورند و حقوق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مناسب با این شخصیت را پیدا کنند."

بنی‌صدر در "میثاق" گویا "تصادف حقوق اجتماعی زنان را فراموش میکند و نیز "تصادف" از زیاد میبرد که از برابری زنان و مردان در "جامعه‌ی اسلامی و رشید" ذکری بعین آورد. این فراموشی مصلحتی از این باب است که او نمیتوانست یا تمیخاست با اصول مسلم حقوق اسلامی و بسا نصوص صریح قرآن، در تصاد ببفتند. و این مشکل بود که مجاهدین مثلا برای برخورد بسا لایحه‌ی قرون وسطایی و ضد انسانی "قصاص" ماهها با آن مواجه بودند. این مشکل تمام کسانسی است که میخواهند بین علم و موجهات میان بسر بزنند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

ربودن ناوچه تبریزین:

آخرین دسته گل "ارتش مکتبی"

پس از ورود بنی‌صدر و مسعود رجوی به خاک فرانسه و تقاضای پناهندگی از آن کشور، و رد تقاضای جمهوری اسلامی در استرداد آنان از طرف دولت فرانسه، روابط دو کشور تیره شد. ایواشان و حزب اللهی‌های رژیم در مقابل سفارت فرانسه بی‌توجه‌گردند و تفرق برآه انداختند. رژیم مفلوک و درمانده جمهوری اسلامی بی‌میل نبود که رونوشت طرح سفارت آمریکا را در اینجا پیاپی بدهد و نمایندگان "ضد امپریالیستی" جدیدی بپرو صحنه آمدند. انقلاب چهارم (بدنیا) انقلاب اسلامی، اشغال سفارت آمریکا، ریاست جمهوری رجایی را از جعبه‌های مارگری مخفی شده در زیر میز پدر آورد ولی رژیم جمهوری اسلامی نقد رید بختی و گرفتاری داشت و "دانشجویان پیرو خط امام" در ارگانه‌های سرکوب آنچنان مشغله داشتند که روی صحنه آوردن تکلیف‌های صخره "ضد امپریالیستی" دیگر، مقرون بصرفه نبود. و معتزلاً زاین، پشم کلاه "ضد امپریالیست" بودن رژیم اسلامی مدتهاست که ریخته و کمترین اعتقادی در نزد خود ندارند. بنا بر این، سردمداران رژیم در نماز جمعه‌های دانشگاه تهران، "امت همیشه بیدار در صحنه" را تشویق کردند که با حضور خود در مقابل سفارت فرانسه علیه امپریالیسم فرانسه شعار دهند (اوج حضور امت در مقابل سفارت فرانسه و بعد از نماز جمعه بود که تعداد آن از ۵ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد). البته "رهبران" فراموش نکردند که در ضمن به "امت" توصیه کنند که "حتی به دیوار سفارت هم نزدیک نشوند".

دولت میتران برای اینکه به سرنوشت دولت کارتر دچار نشود (اشغال سفارت - مبارزه ضد امپریالیستی - مرگ بر آمریکا، مرگ بر کارتر - بالاخره تحویل گروگانها به کارتر)، از در سازش درآمد: بنی‌صدر را از هرگونه تماس با روزنامه‌نگاران فرانسوی و صاحبان آنها منع کرد، فرانسوا میتران انتخاب رجایی را بریاست جمهوری بلافاصله تبریک گفت و بالاخره دردهم مرداد، سه ناوچه موشک انداز را که مدت‌ها در بندر شربورگ توقیف بودند روانه ایران کرد.

تعام این "آرایش" ها، خصم دولت جمهوری اسلامی را فرو نشاند و وزارت خارجه جمهوری اسلامی به "سفیر فرانسه دستور داد که ظرف سه روز خاک ایران را ترک کند". دولت فرانسه هم - قسمت را ظریف و دستور داد که کلیه اتباع آن خاک ایران را ترک کنند. دولت مکتبی نه شرقی و نه غربی، سراسیمه و دست‌پاچه شد و بطوریکه در صفحات روزنامه‌ها و در صدا و سیما جمهوری اسلامی بکرات دیدیم، به "ظلم کرد" افتاد و بی‌معنای رسیدگی به امور مالی و حقوقی، خرج اتباع فرانسوی چند روزه تاخیر انداخت تا شاید با مذاکره با مقامات فرانسوی، دولت فرانسه از تصمیم خود

منصرف شده، ولی نتیجه‌ای نگرفت. فرانسویان در دگر و گره خاک ایران را ترک کردند. مرغهای سفارت فرانسه که میتوانستند تضمین مرغهای طلایی برای گروگانگیری بگذارند، از قفس پریدند، بنی‌صدر و رجوی در خاک فرانسه باقی ماندند. وقتی که در همین هوا پیمای حامل فرانسویان در فرودگاه "اولی" بزمین نشست، منع هرگونه تماس با روزنامه‌نگاران فرانسوی و صاحبان آنها و انجام هرگونه فعالیت سیاسی در خاک فرانسه، بصورت "دوفاکتو" لغو شد. اظهار نظرها و مصاحبه‌های بنی‌صدر و رجوی با مطبوعات و رادیو تلویزیونهای فرانسوی از سرگرفته شد.

کلاه گشاد دیگری که بزرگترین مفلوک و بی‌لیاقت مکتبی رفت، بوده شدن حداقل یک ناوچه موشک انداز (ناوچه "تبریزین") از سه ناوچه‌ای بود که دولت فرانسه آزاد کرد. غالب است که بدانیم این ناوچه ۳۴ ساعت پس از بزمین نشستن آخرین هوا پیمای حامل فرانسویان در فرودگاه پاریس و ۱۴ روز پس از حرکت ناوچه‌ها از بندر شربورگ، ریخته شده شد. وقتی که صفحات روزنامه‌ها و اخبار رادیو تلویزیونهای سرتاسر جهان این خبر را ساعت به ساعت به عنوان مهمترین خبر روز نقل کردند، رژیم درمانده جمهوری اسلامی ۳۴ ساعت در این زمینه مطلق سکوت کرد و پس از آن، صدا و سیما جمهوری اسلامی این خبر را "سطح تکذیب کرد و سرانجام چاره‌ای جز این ندید که با ضربه ساری آنرا تأیید کند.

ربودن ناوچه "تبریزین" بدین شکل انجام شد که در ریاسات حبیب‌اللهی، آخرین فرمانده نیروی دریایی در زمان شاه، به همراه عده‌ای بین ۱۵ تا ۴۰ نفر (به روایات مختلف) از افسران سابق نیروی دریایی با یک یدک کشتی آسیائی به ناوچه‌ها نزدیک شدند. افراد مستقر در یدک کشتی، پس از خلع سلاح ۱۲ حزب اللهی، ناوچه را به تصرف خود درآوردند و آنرا گویا بطرف بندر طنجه صدر مراکش بردند. بنا به گزارش خبرنگار رهبا، افسران و ملوانان ناوچه نه تنها در مقابل ریابندگان ناوچه کمترین مقاومتی نشان ندادند، بلکه از آنها بشدت استقبال کردند. ربودن ناوچه صلحاً بدون همکاری و همدستی خود، داخل ناوچه امکان ناپذیر بود. بدو دلیل مهم:

- ۱- ناوچه موشک انداز که مجهز به تپه‌های قوی بود، برحالی میتوانست در مقابل یک یدک کشتی از خود دفاع کند.
- ۲- ناوچه ۳۳۰ تنی، به جای کسانده شدن بواسطه یدک کشتی، با موتور بسیار قوی خود برحالی قادر بود که یدک کشتی را بدینا لنگش بکشد. ربودن ناوچه چه تبریزین و همگاری وسیع افسران و ملوانان نیروی دریایی جمهوری اسلامی را بایندها، ناوچه یکبار

فراریک رفیق کمونیست از زندان کمیته مرکزی مشهد

یکی از هواداران سازمان طادر مشهد، اخیراً موفق به فرار از زندان کمیته مرکزی مشهد شده است و گزارشی ارسال داشته است که در زیر بخشی از آن با تفسیرات جزئی درج میشود:

هنگامیکه او با شان کمیته (۹ نفر مسلح به ژ ۴۳، یوزی و کلاشینکف، ۲ بیگان و یک بنوشتری رنگ ۲۲۰، و دو نفر صیغی محلی) به خانه ام حمله کردند و در کوشش به فرار ناموفق ماندم، معاون عطیاتی به من گفت:

"مگر میتوانی از دست ما در بروی، مسامکن را در هوا میزنیم."

این لافزنی خاطره‌ی لاف و گزاف‌گویی‌های ساواک را در ذهنم زنده کرد... مهربان‌تر از ۲ ساعت از دستگیری، موفق شدم از سلول انفرادی کمیته مرکزی در خیابان جم مشهد بگریزم در حالیکه این کمیته در محاصره‌ی ارگانهای ضدانقلابی و دولتی چون دفتر تبلیغات سپاه پاسداران و پاسگاه افسران لشکر ۷۷ مشهد، و اداراتی چون پست مرکزی شعبه مرکزی بانک صادرات و شعبه مرکزی بانک ملی قرار دارد که همگی دارای نگهبانان مسلح هستند. به علاوه در ابتدای خیابان جم نیز کمیته‌ی گشت شبانه سپاه پاسداران واقع شده است. باری و همدرد سازمان در مقاله‌ی مربوط به فرار رفقا از زندان بابل در رهاگی شماره ۹۰ که میگفت:

"در بدترین زندانها نیز میتوان و باید سرمایه‌ها را سازماندهی کرد."

و همچنین عشق به آزادی و سوسیالیسم و تحریکات گذشته ام در فرار از دست دشمنان مسلح ساواک، مشوق من بودند... باید بگویم که کسک و بازی مردم پس از معرفی خودم در همه‌ی زمینها لباس، پول، ماشین و جادادن من در خانه اشان، واقعاً نشان دهند هی روحیه‌ی مبارزاتی مردم است.



فرار رفیق ضربه‌ی دیگری بر دژ خیمان جمهوری اسلامی و افشاگرانزیا و عجز و زبونی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است. باید توجه داشت که او با شان رژیم اکنون از اسناد و پرونده‌های ساواک و ما موران آن برای تعقیب و دستگیری مبارزین استفاده میکند و هنوز تا تمام تلاش خود و "حکم شرعی" خمینی نیز موفق به جلب همکاری مردم برای جاسوسی نگشته است. در مورد رفیق نیز، این دژ خیمان ارتجاعی حافظ سرمایه با استفاده از پرونده‌ی وی در ساواک بخاطر صاف بقیه مبارزاتی و نه اطلاع از فعالیت کمونیستی، به تعقیب او پرداخته بودند که خوشبختانه با شکست مفتضحانه‌ای مواجه شدند.

رفیق همچنین گزارشی از وضع زندان کمیته مرکزی مشهد تهیه کرده است که در شماره‌ی آینده درج خواهد شد.

نگاهی به...

است. (با عدد ۷ بهمن ۵۸)
۲) تاکید هادراین مقاله همه جا از است.
۳) البته آن دسته از "کمونیستهای بی" که حاضر به خرحالی مفت و مجانی برای بورژوازی و خرده بورژوازی باشند و مشاق را بی چون و چرا بپذیرند و "صیغانه برای تحقیق آن تلاش کنند"، صیغانند در رگاب آقای بنی صدر و برای آقای بنی صدر رخصت برزند.

و بودن...

دیگر و رشکستکی سیستم اسلامی کردن ارتش شاهنشاهی را بخواهی نشان میدهد. بعد از قیام ۲۲ بهمن ۵۷، نیروهای دموکرات بطور ناپسگیر، کمیته‌ها بطور بگیره بکرات اعلام داشتند که سیستم شاهنشاهی و امریکایی ارتش را با اعدام چند ژنرال مزدوره نمیتوان تفسیر داد، و برای ایجاد یک ارتش توده‌ای، باید ضوابط این سیستم را در هم شکست و نظام شورایی را در گلبه ارگانهای ارتش مستقر کرد. ولی رژیم جمهوری اسلامی بخاطر ماهیت ضد مردمی خود از همان آغاز به بازسازی نظام شاهنشاهی پرداخته و ضوابط انقلابی نیروهای مسلح را سرکوب کرده و پرسنل انقلابی و دموکرات ارتش را اخراج و دستگیر و زندانی و در مواردی به جویخی آتش سپرد. ژنرالهای آریامهری را پس از "توبه اسلامی" بخدمت گرفتند، ساواکی‌ها و مزدوران منفور رژیم را از نو بکار دعوت کرد و رکسین د و ارتش (با همان پرسنل سابق) و دادگاههای نظامی سابق را برپا ساخت یک آخوند از نو بسراوه انداخت. رژیم جمهوری اسلامی، هرروزه ضربه‌ای تازه‌ای از همین "ارتش مکتبی" دریافت میکند. و ریودن ناوجه مشوک اندازه تازه‌ترین - نسبه آخرین - نمونه است. و این سر نوشت تمام رژیم‌های ضدانقلابی است که بجای اعتقاد به توده‌ها به سیستم سرکوب سرمایه داری متصل میشوند و بخیال خام خود با قرائت چند آیه قرآن، زیربنای یک سیستم را تفسیر میدهند. رژیم ارتجاعی و ضدانقلابی جمهوری اسلامی که بجای اعتقاد به توده‌های انقلابی ارتش به ژنرالهای آریامهری و احیاناً نظام شاهنشاهی ارتش دل بست، باید در انتظار ضربه‌های دیگری مملکت تری از این ارتش باشد.

در اینجا جالب است یادآوری کنیم، پس از انتخاب میران برپاست جمهوری (در دوره انتقال قدرت از نیکسار دستن به میران) و وقتی که رمون بار، نخست وزیر وقت فرانسه، خواست مخفیانه سه ناوجه را به ایران تحویل دهد، نظر پندگان سوسیالیست (بهیژه شارل هرفوه نظایند) سابق سوسیالیست و وزیر دفاع کمونی فرانسه، در مجلس جنجال عجیبی بها کرده و این عسبل را شدیداً محکوم کردند. ما در شماره ۷۵ رهاگی در این باره به تفصیل سخن گفته ایم.

اخبار...

مس سرچشمه

سواری دادنها، تنها پاداشی که تاکنون از رژیم سرمایه داری گرفته اند، اینست که فعلا از دستگیر ی و اعدام معاف شده اند و همچنین نشریه خود را آزادانه پخش میکنند. در موارد دیگر رژیم بسا آنها چون دستمال کاغذی مستعمل رفتار میکند. نمونه ی فوق یکی از این موارد و حذف نمودن نمایندگان ایشان، به همراه نمایندگان جریانست همراه شان یعنی "حزب توده" و "حزب کارگران انقلابی" که به همراه "اکثریت" رژیم سرمایه داری را تظهير کرده و بر جنایات آن سرکوش میگذارند، مورد دیگر و گویا تریست.

بهرحال، به اصطلاح "حزب کمونیست عراق" به تجربه ی طمع شرکت در حکومت بعث عراق در کنار البکر و صدام حسین را چشید (یعنی پس از کمک به رژیم جنایتکار عراق در سرکوب انقلابیون و هموار کردن راه رشد سرمایه داری در عراق از حکومت اخراج و کادرهایش اعدام شدند)، "اکثریت" و حزب توده و "حزب کارگران انقلابی" نیز از این تجربه بی نصیب نخواهند ماند. البته اگر عمری برای رژیم جمهوری اسلامی باقی باشد!

اصفهان

اخیرا استانداری اصفهان مقداری روغن موتور معادل ۳۰۰ میلیون دلار از خارج خریداری کرده است. این روغنها از دوی به بندر عباس حمل شده اند، ولی پس از پهلویگیری در بندر عباس معلوم شده است که کالاهای حمل شده روغن موتور سوخته و غیر قابل استفاده است. بدین خاطر هنوز تخلیه ی کالاها انجام نگرفته است.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که در طی دو سال و نیم حکومت ارتجاعی خود، کشور را غارت کرده اند به اوج ورشکستگی اقتصادی رسانیده اند اکنون که به منتهی الیه در ماندگی سیاسی خود نیز نزدیک شده اند، قصد دارند تمامی ثروت زحمتکشان ما را به آتش بکشند. دیگر شمارهی مواردی که حضرات بطرق مختلف بقایای اسرار و دارایی توده ی زحمتکشان را به باد داده اند، از حساب خارج شده است: ارز خارج کردن بهشتی، ارز خارج کردن رفسنجانی، چپاول درامیال، بنیاد مستضعفان، توسط بهشتی و سایر

شرکای حزب جمهوری اسلامی، قرار داد ۵۶ میلیون دلاری خرید اسلحه (که طی آن ۶۰ میلیون دلار یکجا و بطور بلاعوض تحویل دلالان بین الملل شد)، خرید اسلحه از اسرائیل... و این فهرست ناقصی است از کتاب قطور جنایات رژیم جمهوری اسلامی و مهره های گوناگون آن. ولی در مباد روزی که دستان پرتوان کارگران و زحمتکشان مبین ما این ظرنگران نوکمه را کنار همالکیهای آریا مهربشان بفرستند.

اخیرا کارکنان مجتمع مس سرچشمه اظهار داشته اند که بخشنامه ای به امضای وزیر صنایع دریافت شده که در آن از زنان خواسته شده با چادر و نه فقط حجاب اسلامی، به سرکار روند و زنان خانه دار نیز حجاب را رعایت کنند.

سپاه پاسداران سرمایه مستقر در مجتمع نیز دختر بچه ی ۱۰ ساله ای را که بدون حجاب بود دستگیر و به خانواده ی وی اخطار میکنند که دیگر او را بی حجاب بیرون نفرستند. این حامیان سرمایه سپس به خنایان باسمن رفته و دختران و پسرانی را که به بازی والیبال مشغول بودند، دستگیر و پس از گرفتن تصدیق دال بر عدم تکسار اینکار آنها را رها میکنند.

قابل توجه است که تعدادی از دخترانی که از یوگسلاوی به مجتمع آمده اند، اخیرا با لباسی ورزشی (بیراهن و شورت) در ورزشگاه "مردانه" مجتمع به بازی پرداخته اند و این تفاوت و تمیض به شدت موجب ناراحتی زنان مجتمع شده است.

کوته بینی و کوته اندیشی مصلی ظلم رژیم در قالب کلمات قابل توصیف نیست. ورزشگاه باید "مردانه" باشد! دختر، ۱۰ ساله بدون حجاب دستگیر میشود! زنان در دست مثل زنان رضاشاه (منتهی بالعکس) حق تصمیم به رعایت یا عدم رعایت حجاب را ندارند!... رژیم که از طرفی در اوج بحران اقتصادی و سیاسی تقلا میکند و دست و پا میزند و از حل کوچکترین مشکلات روزمره عاجز و زبون است، در رصد داست بر تمام جوانب زندگی مردم نیز جنگ بیندازد و تفکرات ارتجاعی، پوسیده و استخراج شده از اعطاق لجنزارهای دوران وحشیگری را برهمگان تحمیل کند. به واقع که صخره و از آن گذشته سئوال پراکنج است: چگونه رژیمی که از اجرای ساده ترین برنامه های اجتماعی ای ناتوان است، امکان کنترل دراز مدت بر جوانب شخصی زندگی ۳۶ میلیون انسان را به مخیله ی خود راه میدهد؟ مسلما چنین امری از ذهن سالم و عادی بعید و غیر قابل تصورات است.



تذکر

از رفقا و هواداران میخواهیم که اخبار خود را حتی المقدور با ذکر تاریخ، محل و زمان دقیق وقوع و بطور مشروح از هر طریق ممکن و هر چه سریعتر برای ما ارسال دارند. در صورت عدم دسترسی به تاریخ دقیق، لطفا تاریخ را به صورت هفتگی قید کنید. مثلا: "در هفته ۲۳-۳۰ مرداد ۰۰". دقت در جزئیات خبر، تعیین درجه ی صحت اخبار و خوش خطی نوشته ها، در رکبت و کیفیت ارا، نهای خبر بسیار موثر خواهد بود.

کشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند



بند انزلی

* چهارتن از هیاداران محاهدین به کمک یک پاسدار و به همراه وی از زندان انزلی نسرار کرده اند.

تهران

* پنجشنبه ۲۹ مرداد، انفجار شدیدی در ساختان کمیته خیابان زنگان رخ داد و خسارات زیادی وارد کرد. در این انفجار چندین نفر از کمیته چی‌ها کشته و زخمی شدند. ولی رژیم سرما به داری جمهوری اسلامی که اخیراً به سانسور این اخبار پرداخته و فقط "کف" خانه های تیمی را گزارش میدهد، هنوز این خبر را منتشر نکرده است.

* روز جمعه ۳۰ مرداد، حدود ساعت یک بعد از ظهر اوضاع کمیته چی ساختان کسری را در خیابان ایران شهر محاصره کردند و طبق معمول با بلندگوها از ساکنین آن خواستند که ساختمان را تخلیه کنند. پس از قریب دو ساعت مطیبات مضحک و تقلید از فیلمهای وسترن مبتذل در میان مردم نظاره گر شایع کردند که ۶ نفر را دستگیر کرده اند و ۲ نفر نیز خودکشی کرده اند ولیس بهنگام ترک محل همه شاهد بودند که حتی یکی نفر غیر پاسدارو کمیته چی در اتومبیل های آنها وجود نداشت.

ابعاد دروغ وقتی روشن تر شد که اخبار تلویزیون اعلام کرد ۳ نفر با نارنجک خودکشی کرده اند. و این درحالیست که در تمام مدتی که کمیته چی‌ها به آرتیست بازی مشغول بودند، در مجموع شاید فقط ۶ تیر و ۳ شلیک شد که آن هم تیراندازی هوایی و به منظور دور کردن مردم از صحنه انجام گرفته، و به هیچوجه صدای انفجار نارنجک به گوش نرسید.

از این مسخره ترینکه، کابوی های کمیته چی فراموش کرده بودند که ساختان کسری دفتر شرکت های مختلف است و اولاً آنرا نمیتوان خانه تیمی توصیف کرد، و ثالثاً اینکه کمتر کمیسی (بخصوص امروزه با اوضاع ورشکسته ای اقتصادی) روزهای جمعه به شرکت میرود. بهر رو، قصد دستگاه های تبلیغاتی از عمد م

انتشار اخباری مثل خبر انفجار در کمیته خیابان زنگان و انتشار اخباری از نوع "کف" خانه تیمی واضح است. با اینکار، چنانچه کاران رژیم قصد دارند اخبار مبارزاتی تسوده ها و ضربات بی دریغ بر خود را از مردم پنهان نگاه دارند و از طرف دیگر با انتشار اخبار مربوط به خانه تیمی و دستگیری و غیره خسود را قدرتمند و شکست ناپذیر جلوه دهند و همچنین دروغ مربوط به جاسوسی مردم را با بوق و کرنا بزرگ کنند. ولی کورخونده اند! زیرا هم مردم اخبار مبارزاتی را دهان به دهان و هم چنین با پخش نشریه های انقلابی در سطح جامعه منتشر میکنند. و هم اینکه حضرات بهر ای جاسوسی فقط ناچاره متصل به ما موران "توبه" کسردمی ساواک و معدودی حزب اللهی مظلوم هستند.

مردم زحمتکش ما پس از سالها زندگی زیر سر نیزمهای رژیم شاه و سا زمان جبهی ساواک فریب خزه لاتی از قبیل "سازمان اطلاعاتی ۳۶ میلیونی" و غیره را نخواهند خورد. رژیم جمهوری اسلامی تنها باید به ما موران ساواک و بازسازی سازمان امنیت آریا مبری به کمک سازمانهای جاسوسی خارجی تکیه کند.

* در حدود دو هفته قبل، تصاددی "رهایی" در محل ایستگاه اتوبوسها در سه راه آذری نسرار داده شده بود که با مشاهده آنها، مردم آنها را برداشته و به یکدیگر میدادند و با خوشحالی میگفتند: "نشریه!"

در حدود یک ربع پس از آن، محل توسط کمیته چی‌ها و پاسداران ششول بند محاصره شد و عابرین "مشکوک" مورد جستجو قرار گرفتند.

* به یکی از هیاداران "اکثریت" که مدت کمی یک تاکسی خریده است، از طرف "شرکت تعاونی تاکسیرانی" به وی اخطار شده است که حق راندن تاکسی را ندارد، زیرا به موجب اعلامیه ای "دادستانی انقلاب" وی دارای سو پیشینه کیفری است. چون در سال ۵۰ زندانی سیاسی بوده است و در صورتیکه تاکسی را نفروشد، آنرا صادره خواهند کرد.

پس از قیام، رژیم جمهوری اسلامی در مظالم فشار توده ها به ناچار اعلام کرد که سابقه زندانی سیاسی سو پیشینه محسوب نخواهد شد، ولی چه زود این را نیز همچون دستاورد های قبام بهمین زیریا گذاشت. اکنون کسانی که بخاطر مبارزه علیه رژیم شاه به زندان افتادند، از نظر رژیم منفر جمهوری اسلامی نیز مجرم محسوب میشوند. برای نشان دادن اینکه نظام حاکم نظامی نکرده، دلیلی بهتر از این لازمست؟

با تمام در روزگی که با اصطلاح فدائیان "اکثریت" در درگاه رژیم جمهوری اسلامی انجام میدهند و با تمام چاپلوسیها، جاسوسی ها و خسر

هسته های مقاومت توده ای را سازمان دهیم